



محرم بزرگداشت یک خاطره بی نظیر تاریخ است

حضرت آیت الله خامنه ای تاکید کردند: محرم را در پیش داریم. یکی از جهاتی که محرم مورد اهتمام است بزرگداشت یک خاطره بی نظیر تاریخ است.

حضرت آیت الله خامنه ای تاکید کردند: محرم را در پیش داریم. یکی از جهاتی که محرم مورد اهتمام است بزرگداشت یک خاطره بی نظیر تاریخ است.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، بیانات رهبر معظم انقلاب در آستانه ماه محرم سال ۱۳۸۰ برای اولین بار منتشر شد.

متن بیانات معظم له به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

محرم را در پیش داریم. یکی از جهاتی که محرم مورد اهتمام است بزرگداشت یک خاطره بی نظیر تاریخ است، [منتها] نه بی نظیر در مصیبت و غم و اندوه -که البته هست- بلکه بی نظیر در حماسه و بُروز برجستگی های انسان، برجستگی های اهل حق. اگر شما وضعیّت امام حسین را ملاحظه کنید خواهید دید که آن حرکت، آن قیام، با این خصوصیات، بی نظیر است. ما خیلی قیام داشته ایم اما این قیام با این خصوصیات، بی نظیر است. [وضعیت چنین بوده:] سلطه ی باطل با قساوت تمام و با وقاحت تمام روزه روز به روز رو به افزایش است. هیچ امر به معروف و نهی از منکر هم ممکن نیست. به قدری فضای رعب زیاد است که آمرین به معروف و ناهین عن المنکر سعی می کنند در معرض امر به معروف و نهی از منکر قرار نگیرند؛ حتی افراد جسور و گستاخ. یعنی مثلاً عبدالله بن زبیر آدم جسوری است، آدم خیلی گستاخی است اما سعی می کند با دستگاه خلافت مواجهه پیدا نکند؛ این قدر وضعیّت سخت است. یک کسی مثل عبدالله بن جعفر که برادرزاده ی امیرالمؤمنین و داماد امیرالمؤمنین و شوهر جناب زینب است، سعی می کند که به دستگاه خلافت حتی نزدیک نشود، چون اصلاً غیر از این چیزی متصور (۱) نیست. یک کسی مثل عبدالله بن عباس حالت انزوا از جامعه پیدا می کند، کأته کناره گیری می کند، یک گوشه ای می نشیند؛ یعنی این کسانی که زبانهای ناطق و گویا و شخصیت های برجسته و آقازادگان بزرگ بنی هاشم و قریش و جوان های نامدار صدر اسلام بودند -که هر کدام تاریخچه ای از افتخارات پشت سرشان است- جرئت نمی کنند بیایند وسط میدان، چه برسد مردم عادی؛ نه فقط در شام، حتی در خود مدینه. آن وقت شما وضع مدینه را با بقیه ی جاهای دیگر که آن مرکزیت را هم نداشته مقایسه کنید. این شرایط آن اختناق عجیب و غریب است. آن وقت قیام امام حسین در اینجا برای این است که این سلطه را در هم بشکنند؛ حرکت امام حسین برای در هم شکستن این سلطه است، منتها به قصد قدرت طلبی نیست؛ ما خَرَجْتُ أَشِيرًا وَ لَا بَطْرًا وَ لَا ظَالِمًا وَ لَا مُفْسِدًا؛ (۲) مثل بقیه ی افرادی که قیام می کنند، خروج می کنند، می زنند، می کشاند برای اینکه قدرت را قبضه کنند نیست، بلکه برای امر به معروف و نهی از منکر است.

دو عاقبت هم ممکن است برایش پیش بیاید: یکی اینکه پیروز بشود، یکی هم اینکه گشته بشود؛ با آن وضع فجیعی که برای او قابل تصوّر بود، ولو بدون علم امامت؛ خب معلوم بود، اینها هیچ ملاحظه ای نداشتند. در یک چنین شرایطی همان کاری را امام حسین می کند که به نقل آیه ی مباحله در قرآن کریم -که این ایّام، [نزدیک] روزهای مباحله بود- پیغمبر اکرم با نصارا کرد؛ یعنی اولادش را، نسائش را، آنفُسش را آورد میدان؛ یعنی عزیزترین سرمایه هایش و همه ی موجودی خودش را برداشت آورد برای دفاع از حقیقت و برای قیام لله .

و بعد صبر کرد؛ که این صبر امام حسین خیلی مهم است. من یک وقتی یک صحبت مفصّلی در مورد صبر امام حسین کرده ام که الان مجال نیست. ماها نمی فهمیم صبر یعنی چه. صبر در جای صبر معلوم می شود که معنایش چیست. این قدر آدم از بزرگان، از محدّثین، از شخصیت های برجسته، از آدم های موّجه، از عقلا، از دلسوزان، از نیمه دلسوزان مدام بیایند به امام حسین بگویند آقا شما با این کار خودت، هم داری یک عملی می کنی که فایده ندارد، هم این جور خسارت به خودت و خاندان پیغمبر وارد می کنی، اهل حق را ذلیل می کنی؛ از این حرف ها می زدند. از اوّلی که امام حسین از مگه قصد حرکت کرد و بعضی فهمیدند، این موانع گوناگون اخلاقی در مقابل امام حسین شروع شد، تا شب

عاشورا، صبر کردن در مقابل این حوادث [خیلی دشوار است]. من آن وقت -در همان صحبتی که اشاره کردم- گفتم امام (رضوان الله علیه) هم درست همین جور صبر کرد، صبر او هم همین جور بود. این قدر به امام گفتند: آقا جان این جوانها از بین می روند، این جور کشته می شوند، مملکت خراب می شود. در دوره ی نهضت می گفتند بهترین جوانها را شما دارید به دم گشتن می دهید. صبر کردن در مقابل این خیرخواهی های ناشیانه کار خیلی عظیمی است، کار خیلی بزرگی است، خیلی قدرت می خواهد؛ صبر کرد. همه ی صبر، در مقابل فشارها و مصائب جسمانی نیست؛ این فشارهایی که به عنوان مصلحت طلبی، مصلحت جویی، [که بگویند] «آقا بر خلاف مصلحت دارید کار می کنید» وارد می آید، صبر کردن در مقابل اینها و راه بین و روشن و رُشد (۳) را رها نکردن، آن صبر عظیم و صبر جمیلی است که امام حسین (علیه السلام) انجام داد.

بعد هم با آن وضع فجیع یکی یکی دوستانش [کشته می شوند]، مثل کسی است که ذره ذره بدن او را قطعه قطعه کنند؛ امام حسین در روز عاشورا این جوری بود. این جور نبود که حالا یک بمب بیفتد عده ای از افراد کشته بشوند؛ نه، هر نفری از این اصحاب که می رفتند، هر نفری از این اهل بیت که می رفتند مثل این بود که یک عضوی از اعضای حضرت را، یک قطعه ای از بدن مبارک آن حضرت را دارند جدا می کنند؛ و حضرت بر یکی یکی صبر کرد، این جرعه های صبر را یکی یکی نوشید؛ این حرکت به این عظمت [بود]. نتیجه اش هم معلوم شد، نتیجه این شد که آن ارزش هایی که امام حسین می خواست در دنیا بماند ماند؛ قرآن ماند، اسم اسلام ماند، ارزشهای اسلامی ماند، حدیث پیغمبر ماند و در دایره ی محدودتر و مهم تری، تشیع که مکتب اهل بیت باشد ماند. اگر امام حسین این کار را نمی کرد، همچنان که در طول آن پنجاه شصت سال بعد از رحلت پیغمبر آن جور اسلام تغییر پیدا کرده بود و به آنجا رسیده بود که بتوانند جگرگوشه ی پیغمبر را بیابند به قتل برسانند -خب [اوضاع] خیلی فرق کرده بود؛ این را هم من یک وقتی مفصل تشریح کرده ام؛ [اینکه] در دنیای اسلام کار به جایی برسد که بیابند مثل امام حسینی را، مثل زینب کبرایی را، فرزندان پیغمبر را، جگرگوشگان پیغمبر را علناً، صریحاً بکشند یا اسیر بکنند، باید خیلی اوضاع فرق کرده باشد- به فاصله ی اندکی چندین برابر آن، اوضاع فرق می کرد و بكل اسلام از بین می رفت. امام حسین در واقع مثل آن میخ عظیمی شد که این خیمه ای را که طوفان داشت [آن را] می برد، با خون خودش نگه داشت. خب این بزرگ ترین حماسه ی تاریخ اسلام بلکه بزرگ ترین حماسه ی تاریخ است؛ این را باید حفظ کرد، این را باید زنده نگه داشت، این را باید به عنوان یک گره گشا در امور همیشه ی تاریخ مسلمین، مورد استفاده قرار داد.